

## فردوسی و شاهنامه

### فردوسی در کوران خاطرات تاریخ

ادامه از شماره قبل



ذکر این نکته نیز ضروری می‌نماید که حکیم فردوس هیچ گونه پیش‌گفتار، دیباچه و یا مقدمه‌ای با دست و قلم خویش، آن‌گونه که امروز در بین نویسندگان رسم است، در آغاز کتابش ننوشته است و اگر هم مقدمه‌ای در شاهنامه‌ی فردوسی مشاهده می‌شود، توسط تعدادی از تهیه‌کنندگان و استنساخ‌کنندگان بعدی در آغاز شاهنامه آمده است و بس!

\*یادآوری\* کلیه‌ی علایم نوشتاری

و دستوری و عبارت‌هایی که در سراسر متن بین دو کمان (.....) آمده‌اند از انتشارات شاهنامه است.

#### مقدمه‌ی جدید شاهنامه

علامه‌ی قزوینی دانشمند و ادیب و پژوهش‌گر بزرگ ایران (۱۳۲۸-۱۲۵۴ خورشیدی) یکی از پژوهش‌گران بزرگ شاهنامه‌ی فردوسی است که نظم و ترتیب صدها سال را بر هم زده و در مورد مقدمه‌های شاهنامه عقیده دارد که، باور چندصد ساله‌ی محققان و شاهنامه‌شناسان گیتی مبنی بر وجود دو مقدمه به نام‌های: ۱- مقدمه‌ی قدیم (ابومنصور) ۲- مقدمه‌ی جدید (بایسنغری) درست نیست و به باور این دانشمند مقدمه‌ی دیگری نیز وجود دارد

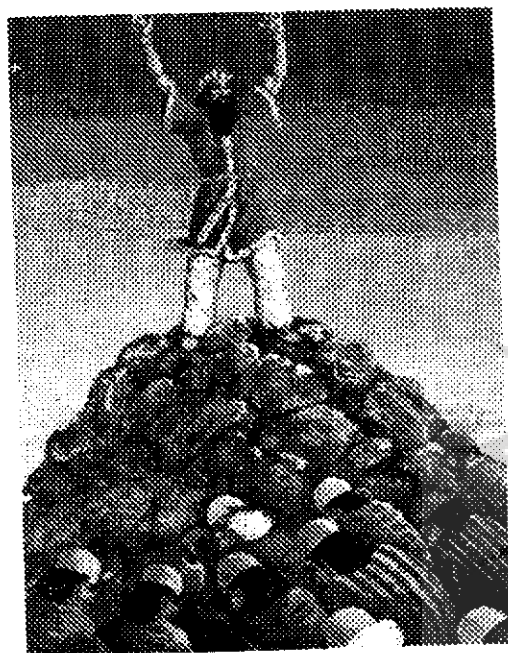
بنابر آن چه در شرح مفصل مقدمه‌ی قدیم گفته شد این مقدمه بدون تردید به شاهنامه‌ی فردوسی ربطی ندارد و سال‌ها قبل از سروده شدن شاهنامه‌ی فردوسی مقدمه‌ی شاهنامه‌ی دیگری بوده است که به نام شاهنامه‌ی ابومنصور مشهور بوده است و اگر ما امروز مخلوط با مقدمه‌های دیگر آن را در آغاز شاهنامه‌ی فردوسی مشاهده می‌کنیم بدون تردید ناآگاهی و بی‌اطلاعی نسخه‌نویسان و استنساخ‌کنندگان شاهنامه در سال‌های بعد از ۸۱۰ هجری قمری بوده و امروز تعداد زیادی از علاقه‌مندان به شاهنامه متأسفانه بدون اطلاع از اصل داستان، کل این مقدمه را متعلق به شاهنامه‌ی فردوسی می‌دانند که این درست نیست.

و چون عمر بن الخطاب عبدالله عامر را بفرستاد تا مردم را بدین محمد خواند صلی الله علیه و سلم (کنارنگ پسر را پذیره او فرستاد بشابور) و مردم در کهن دژ (دژ) بودند (فرمان نبردند) از وی یاری خواست (یاری کرد تا کار نیکو شد) بعد از آن هزار درم وام خواست (گروگان طلید) گفت گروگان ندارم (گفت نشابور مرا ده) نشابور بدو داد (چون درم بستد باز داد) عبدالله عامر آن حرب او را داد و کنارنگ برزم کردن او شد و این داستان ماند که گویند طوس از آن فلان است و نشابور بگروگان دارد (و حسن بن) علی مروزی از فرزندان او بود (و کنارنگ از سوی مادر از نسل طوس بود و صدویست (۱۲۰ سال) سال بزیست و همیشه طوس کنارنگیان را بود تا بهنگام حمید طائی که از دست ایشان بستد و آن مهتری بدیگری دوده افتاد (به دودمان دیگری افتاد) پس بهنگام ابومنصور عبدالرزاق (طوس را بستند و سراسزا رسید، و نسب این هر دو کس که این کتاب کردند (ابو منصور محمد بن عبدالرزاق طوسی حکمران طوس و ابومنصور المعمری وزیر او) چنین بود که یاد کردیم»

سال گذشته عامل اصلی ماندگاری و پایداری شاهنامه شده‌اند. پژوهش‌گران کم‌تر و مردم عادی و عامی و کوچه و بازار بیش‌تر و گسترده‌تر به مطالبی توجه می‌کنند که صورتی از افسانه و راز و رمزهای هستی و اسرار نهفته‌ی خلقت را در خود داشته باشند. از این بابت، هر ایرانی وطن‌پرست و

می‌باشد و دست پخت چاکران، نوکران، خوش‌نویسان، نسخه‌پردازان و نویسندگان شاهنامه‌ی معروف به «بای‌سنغری» است که برای خوش خدمتی و ادای دین برای بای‌سنغر میرزا پسر شاهرخ میرزا و برادر الخ بیگ، نوه پسر امیر تیمور گورکانی (۸۳۷ - ۸۰۲) استنساخ گردیده و به او تقدیم شده است.

که بین این دو مقدمه است و به مقدمه‌ی اوسط یا وسطی مشهور می‌باشد. و اما سعید نفیسی<sup>(۱)</sup> ادیب و پژوهش‌گر نامی معاصر (۱۳۴۵-۱۲۷۴ خورشیدی) ایران و یکی دیگر از محققان بزرگ شاهنامه‌پا را فراتر گذاشته و عقیده دارد که چهار نوع مقدمه برای شاهنامه نوشته‌اند که عبارت است از:



هر یک از علاقه‌مندان به حکمت شاهنامه در سراسر گیتی با خوشحالی باید از افسانه‌سرایان و قصه‌گویان و مقدمه‌نویسان بای‌سنغری بسیار سپاس‌گزار باشند که عاملی بوده‌اند تا شاهنامه‌ی فردوسی این چنین ماندگار و جاویدان بماند و امروز به دست ما برسد.

بای‌سنغو میرزا خودش اهل علم بوده و خطی خوش داشته و برای اثبات این موضوع دست خط زیبای او در سر در مسجد گوهرشاد مشهد می‌درخشد. در تهیه و تدوین مقدمه‌ی شاهنامه‌ی بای‌سنغری در هیچ سند و مدرکی نیامده است که خودش فرمان داده است تا قصه‌ای برای فردوسی و شاهنامه درست کنند و به عنوان مقدمه در آغاز این کتاب بنگارند. داستان زندگی فردوسی و چرایی آغاز شاهنامه و قصه‌های پیرامون آن بیش‌تر تخیلی‌اند و حاصل فکر و اندیشه‌ی داستان‌سرایان مختلف.

۱- مقدمه‌ی قدیم (ابومنصوری)  
۲- مقدمه‌ای که در دنباله‌ی مقدمه‌ی ابومنصوری جای داده‌اند و در آن مطالبی درباره سلطان محمود و فردوسی آورده‌اند و هم چنین هجونه‌ی مشهور سلطان محمود هم در این مقدمه آمده است.

۳- مقدمه‌ای است که بدون تردید پس از مقدمه‌ی دوم نوشته شده است. این مقدمه تکرار مطالب مقدمه‌ی اول و دوم است، اما با عبارت‌هایی تازه‌تر و در عین حال اشعاری است. این مقدمه تا حد زیادی مانند مقدمه‌ی قدیم و یا اول است، مگر با تفاوت‌هایی اندک.

برای پژوهش‌گران شاهنامه، امروز یقین حاصل شده است که تهیه‌کنندگان نسخه‌ی بای‌سنغری با جمع و جور کردن کلیه‌ی حرف و حدیث‌ها، گنت و گوها و شرح و تفسیرهای موجود در بستر فرهنگ همیشه جوشان جامعه‌ی اندیشمند و فرهنگ‌باور ایران‌زمین از یک سو و در هم آمیختن مقدمه‌های موجود، اما قدیمی‌تری که با شاهنامه‌هایی جز شاهنامه‌ی فردوسی ربط داشته‌اند، داستان‌های عجیب و شگفت‌انگیزی جور کرده‌اند که بدون تردید همین داستان‌ها به دلیل تأثیر روانی موضوع در اجتماع و در بین مردم در طول یک هزار

۴- مقدمه‌ی جدید (بای‌سنغری)  
ما در شاهنامه‌ی پیش روی شما تنها دو مقدمه را مورد بررسی قرار داده‌ایم:

۱- مقدمه‌ی ابومنصوری و یا مقدمه‌ی قدیم که درباره آن نوشتیم و اینکه به دومین مقدمه یعنی: مقدمه‌ی جدید یا بای‌سنغری می‌پردازیم.

ما می‌دانیم و دانش‌پژوهان گرامی بهتر می‌دانند که مقدمه‌ی بای‌سنغری گذشته از کلمات و عباراتی که در آغاز کلام آورده است و آن مدح و ثنای پرورگار است، بقیه قصه است و داستانی بی‌اساس و بی‌پایه

۱- متن کامل نقد و بررسی مقدمه‌های شاهنامه به قلم استاد سعید نفیسی پیش‌تر چاپ شد.

باشد، تا جای ممکن آن را به سبک نگارش روز درمی آوریم، اما بر پیمان خود هستیم که کوچکترین دخالتی در معنا و مفهوم اصلی آن نکنیم و اصول اساسی امانت‌داری را در علم نسخه‌نویسی رعایت کنیم.

اگر چه بهتر بود که مقدمه‌ی «بای سنغری» پیوسته با کلام بالا در این قسمت نوشته می‌شد، اما به جهت اهمیتی که این مقدمه در

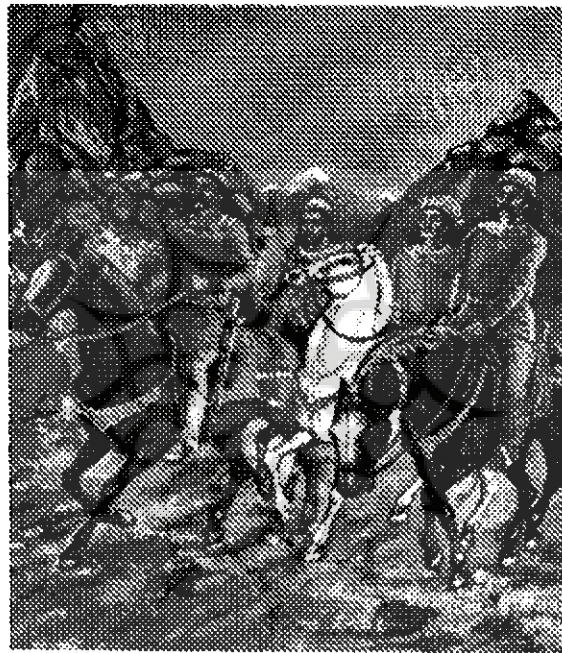
تدوین شاهنامه نویسان داشته و دارد، آن را گذاشتیم برای قسمت پایانی مقدمه‌ها و سرآغاز کلام فردوسی. در این قسمت مقدمه‌ای را می‌نویسیم که به نام «دیباچه» در سرفصل شاهنامه‌ای که به وسیله‌ی ادیب بزرگ فرانسوی و شاهنامه‌شناس مشهور جهان، ژول - مول نوشته شده است، ثبت گردیده. در مورد ژول - مول، به این کلام بسنده می‌کنیم که این دانشمند بزرگ ۴۰ سال از زندگی پربار و

خردمندانه‌ی خود را صرف پژوهش، بررسی، تطبیق نسخه‌ها و سرانجام ترجمه‌ی کتابی کرد که از آغاز پیدایش آن تا همین امروز هیچ خردورز، فرهیخته و دانشمندی در سرتاسر گیتی نخواسته و نتوانسته است به جز از شرافت، بزرگ منشی، خردمندی، حکمت و دانشمندی پدید آورنده‌اش کلامی دیگر به زبان بیاورد و یا به قلم بنشانند. **ژول - مول چنین آغاز می‌کند:**<sup>(۲)</sup>

۲- چنانچه کلام ژول - مول نیاز به تحلیل و یا تفسیر داشته باشد در زیرنویس و یا در داخل دو کمان: (.....) به نقد کشیده خواهد شد. بنابراین کلام ژول - مول در داخل علامت نقل قول: «.....» گذاشته

### «دیباچه»<sup>۳</sup>

«منظومه‌ای حماسی مانند شاهنامه که سراسر تاریخ یک امپراتوری بزرگ را از بنیادگذاری تا انهدام در بر می‌گیرد، پیش از آن که جای واقعی آن به عنوان یک اثر ادبی و منبع تاریخی معین شود، باید از جهات چندی مورد بررسی قرار گیرد. از آن‌جا که نمی‌توان در دیباچه‌ای به جمله مسائل مربوط



به این منظومه پرداخت، بدان اکتفا می‌ورزم که خلاصه‌ی تاریخ روایت‌های باستانی و حماسی ایران را به دست دهم، و بررسی ارزش تاریخی این داستان‌ها را به بعد بگذارم. اما، هر قدر به این جنبه موضوع

شده و نقد و بررسی کلام آن ادیب دانشمند در علامت: (.....) چاپ می‌شود. (مک)

۳- نا پیوسته نویسی، علامت گذاری‌های نگارشی، رعایت آیین نگارش به شیوه روز و گذاشتن حرف «ی» به آخر کلمه‌هایی که به «های غیر ملفوظ» ختم می‌شوند به جای «همزه «ه» و جدا کردن حرف «ب» از ابتدای کلمه‌های غیر فعل، به جز در برخی از استثناها، بدون کوچکترین دخل و تصرف در اساس متن از تدوین کننده این شاهنامه است. «مک»

قناعت شود، باز به نکته‌های عمده‌ای برمی‌خوریم که سزاوار بحثی پرمایه است، زیرا ریشه‌ی هر منظومه‌ی حماسی یکی از باریک‌ترین مباحث ادبی است که تحقیق در آن، در عین حال، به سبب دلایلی که در طبیعت مطلب نهفته، بسی دشوار است. من در این جا از شعر حماسی واقعی سخن می‌گویم که سراپا تاریخی و ملی باشد و تاریخ ملتی را آن چنان باز نموده باشد که ملت خود سینه به سینه نقل بکند. ملت‌ها همه از این گونه داستان‌ها و روایت‌ها داشته‌اند، زیرا که هیچ ملتی نمی‌تواند بی‌گذر از دوران‌های بلاخیز و پهلوان منشی، و بی‌آوردن بزرگ‌مردانی که به وهم و گمان جولان و هیجان بخشند، شکل پیدا کند. ملت خاطره اینان را نگاه می‌دارد و به طور غریزی به شکلی شاعرانه در می‌آورد. و بدین شیوه، تاریخ شگفت‌انگیزی فراهم

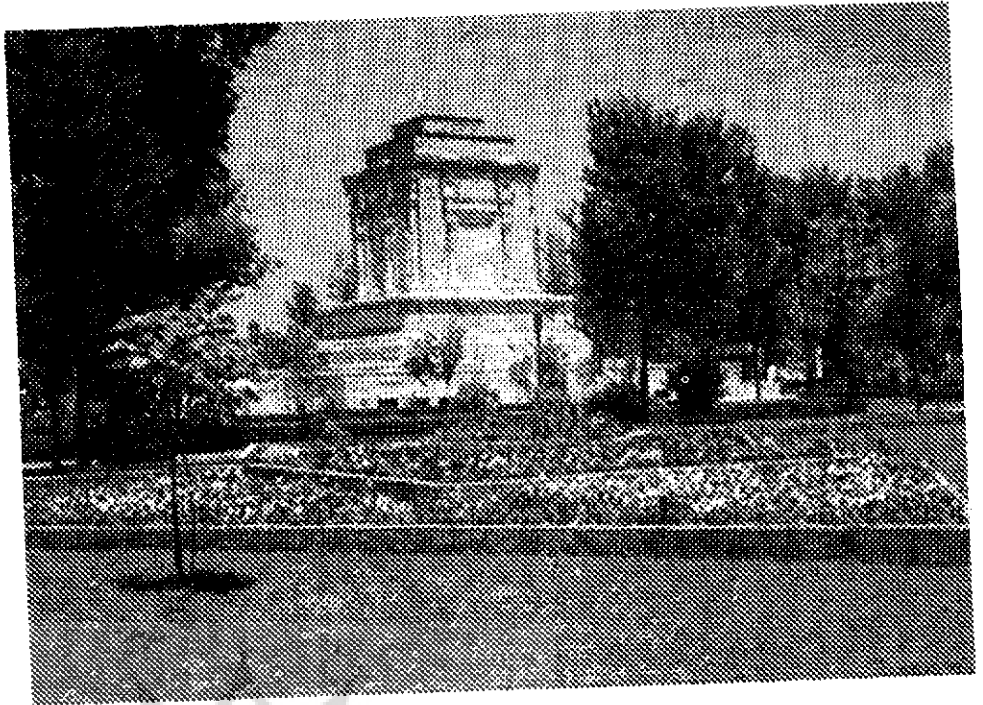
می‌آورد که با تار و پود حقیقت و افسانه بافته شده است. برای مردمان دوران بربریت، یک قطعه، قصه و یا شعر در حکم یک سند تاریخی یا یک نشریه رسمی<sup>(۴)</sup> بوده است، برای انسان دوران تمدن. بررسی دقیق اشعار ملی که از چندی پیش آغاز شده، روشنی بخش طبیعت این روایت‌های کهن و دگرگونی‌هایی شد که در نقل سینه به سینه بر سر آن‌ها رفته است، و نیز ریشه‌ی راستین شعر غنایی را باز نمود. در جزیره‌های دریای جنوب<sup>(۵)</sup> این قصه‌ها به شکل مثلث‌های

4- bulletin

5-Ellis, "polynesian Researches" London, 1831.



منابعی یافته بود که می‌توانست به کار گیرد. شاعر، افسانه‌های کهن و کارنامه‌ها را گردآوری می‌کند و در عین محفوظ داشتن ریشه‌ی آنها، و تا آنجا که ممکن باشد حفاظت شکل اولیه‌ی کارمایه‌ها، اثری هنری می‌آفریند. آن‌جا که سراینده از روح ملی راستین به شور آمده باشد، دستاوردش به زودی همگانی می‌شود و به جای ترانه‌هایی که خود از آن سرچشمه گرفته است، بر سر زبان‌ها می‌افتد. سرایندگان و نقالان خلق بیان نوپرداخته را می‌پذیرند، و افسانه‌های کهن بر می‌افتند. این نابودی ناگزیر کمابیش سبب می‌شود که در بیش‌تر موارد، مقایسه مستقیم میان داستان‌های باستانی و منظومه‌های حماسی ممکن نشود. همین که منظومه تازه افسانه‌های کهن را براندازد، خود گواه آن است که به اصل وفادار بوده است.»  
ادامه دارد.



این سرودها به اندازه‌ای به منظومه‌های حماسی نزدیک است که، هرگاه اندک رابطه‌ای میان آن‌ها ایجاد شود، به صورت منظومه‌های غنایی پیوسته و هم رشته‌ای در خواهد آمد. تاریخ هر ملت از همین جا آغاز می‌شود، زیرا که آدمی پیش از نوشتن، داستان می‌سراید و ترانه می‌خواند؛ و نخستین مورخان چاره جز آن نداشته‌اند که روایت‌های خود را بر این گونه مایه‌ها بنا کنند. نمی‌توان هرودوت را خواند و از خاصیت حماسی روایت‌های آن در دوران آغاز تاریخ دچار شگفتی نشد، اما وی از آن جهت از این گونه روایت‌ها استفاده کرده که سندی مکتوب به دست نداشته است، حال آن که این شاعر حماسی این روایت‌های باستانی را تنها

قافیه‌داری بود که برای نگهداشت خاطره روی دادها و تاریخ آن‌ها به کار می‌رفته است.»

« میان مردم اسکاتلند<sup>(۶)</sup> و یونان جدید<sup>(۷)</sup> شکل قصاید تاریخی را می‌گرفت که به یاد بود دلاوری‌ها و کارهای پهلوانی ساخته می‌شد. چرکس‌ها<sup>(۸)</sup> کارنامه‌های منظومی از مردان برجسته دارند که به هنگام مراسم خاک سپاری می‌خوانده‌اند. کارنامه‌هایی که در میان بازماندگان و قبیله‌ها محفوظ مانده و بر روی هم تاریخ این قوم را تشکیل داده است. در میان اسپانیایی‌ها<sup>(۹)</sup> و صربی‌ها<sup>(۱۰)</sup>

- 6- Sir W. Scott, "Scottish Minstrelsy".  
7- Fauriel, "Chants populaires de Grèce".  
8- Tausch, "On the Circassians". "Journal of the Royal Asiatic Society", vol. 1, p. 98.  
9- به اشعار و ترانه‌هایی که درباره‌ی ال سید ساخته شده نگاه کنید. (ال سید، قهرمان اساطیری یونان - مک)  
10- به ویژه ترانه‌هایی که درباره‌ی مارکو در مجموعه‌ی سرودهای صربی وجود دارد. (مارکو: قهرمان ملی صرب‌ها - مک)

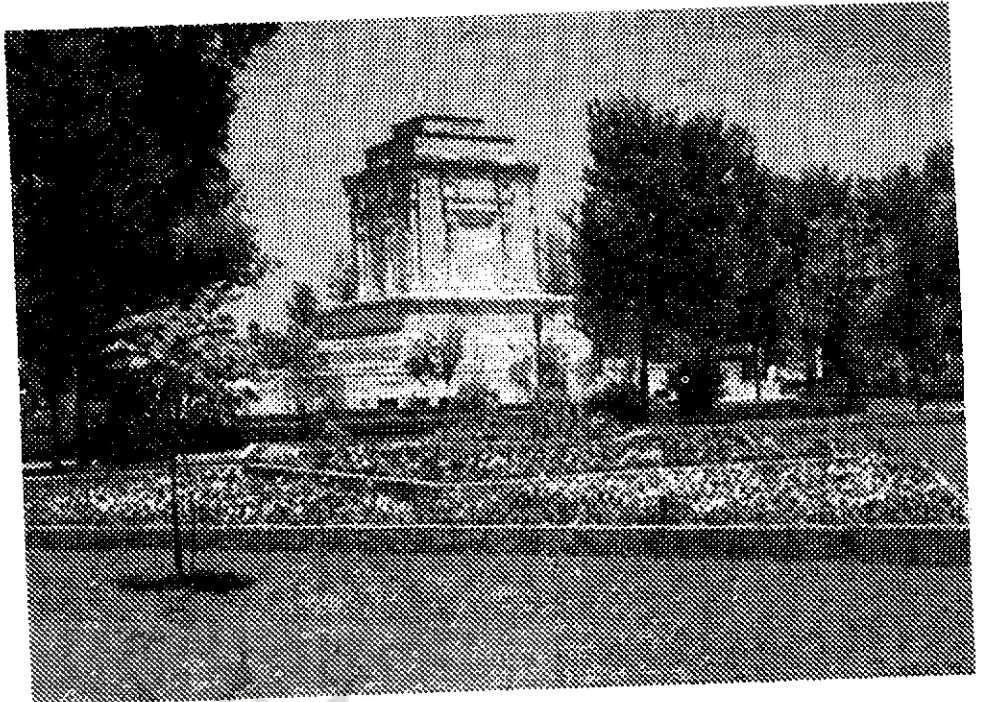
### انتشارات شاهنامه

آخرین کلام در چاپ آثار برتر شما از یک بولتن ساده تا مجموعه‌های بزرگ فرهنگی ۱۰۰ جلدی شامل: ترجمه ، حروف چینی ، تصحیح ، غلطگیری ، ویراستاری ، صفحه‌آرایی، طراحی جلد ، طراحی متن ، چاپ ، صحافی ، بسته‌بندی و .....

تلفن: ۶۷۲۷۰۸۵

سرکار خانم مریم شکوری - جناب آقای حسین ناصری مقدم و خانواده‌های وابسته، در گذشت بزرگ خاندان شکوری را به شما و خانواده محترم تان تسلیت می‌گوییم.  
همکاران شما در مجله‌ی فردوسی

منابعی یافته بود که می‌توانست به کار گیرد. شاعر، افسانه‌های کهن و کارنامه‌ها را گردآوری می‌کند و در عین محفوظ داشتن ریشه‌ی آنها، و تا آنجا که ممکن باشد حفاظت شکل اولیه‌ی کارمایه‌ها، اثری هنری می‌آفریند. آن‌جا که سراینده از روح ملی راستین به شور آمده باشد، دستاوردش به زودی همگانی می‌شود و به جای ترانه‌هایی که خود از آن سرچشمه گرفته است، بر سر زبان‌ها می‌افتد. سرایندگان و نقالان خلق بیان نوپرداخته را می‌پذیرند، و افسانه‌های کهن بر می‌افتند. این نابودی ناگزیر کمابیش سبب می‌شود که در بیش‌تر موارد، مقایسه مستقیم میان داستان‌های باستانی و منظومه‌های حماسی ممکن نشود. همین که منظومه تازه افسانه‌های کهن را براندازد، خود گواه آن است که به اصل وفادار بوده است.»  
ادامه دارد.



این سرودها به اندازه‌ای به منظومه‌های حماسی نزدیک است که، هرگاه اندک رابطه‌ای میان آن‌ها ایجاد شود، به صورت منظومه‌های غنایی پیوسته و هم رشته‌ای در خواهد آمد. تاریخ هر ملت از همین جا آغاز می‌شود، زیرا که آدمی پیش از نوشتن، داستان می‌سراید و ترانه می‌خواند؛ و نخستین مورخان چاره جز آن نداشته‌اند که روایت‌های خود را بر این گونه مایه‌ها بنا کنند. نمی‌توان هرودوت را خواند و از خاصیت حماسی روایت‌های آن در دوران آغاز تاریخ دچار شگفتی نشد، اما وی از آن جهت از این گونه روایت‌ها استفاده کرده که سندی مکتوب به دست نداشته است، حال آن که این شاعر حماسی این روایت‌های باستانی را تنها

قافیه‌داری بود که برای نگهداشت خاطره روی دادها و تاریخ آن‌ها به کار می‌رفته است.»

« میان مردم اسکاتلند<sup>(۶)</sup> و یونان جدید<sup>(۷)</sup> شکل قصاید تاریخی را می‌گرفت که به یاد بود دلاوری‌ها و کارهای پهلوانی ساخته می‌شد. چرکس‌ها<sup>(۸)</sup> کارنامه‌های منظومی از مردان برجسته دارند که به هنگام مراسم خاک سپاری می‌خوانده‌اند. کارنامه‌هایی که در میان بازماندگان و قبیله‌ها محفوظ مانده و بر روی هم تاریخ این قوم را تشکیل داده است. در میان اسپانیایی‌ها<sup>(۹)</sup> و صرب‌ها<sup>(۱۰)</sup>

- 6- Sir W. Scott, "Scottish Minstrelsy".  
7- Fauriel, "Chants populaires de Grèce".  
8- Tausch, "On the Circassians". "Journal of the Royal Asiatic Society", vol. 1, p. 98.  
9- به اشعار و ترانه‌هایی که درباره‌ی ال سید ساخته شده نگاه کنید. (ال سید، قهرمان اساطیری یونان - مک)  
10- به ویژه ترانه‌هایی که درباره‌ی مارکو در مجموعه‌ی سرودهای صربی وجود دارد. (مارکو: قهرمان ملی صرب‌ها - مک)

### انتشارات شاهنامه

آخرین کلام در چاپ آثار برتر شما از یک بولتن ساده تا مجموعه‌های بزرگ فرهنگی ۱۰۰ جلدی شامل: ترجمه ، حروف چینی ، تصحیح ، غلطگیری ، ویراستاری ، صفحه‌آرایی، طراحی جلد ، طراحی متن ، چاپ ، صحافی ، بسته‌بندی و .....

تلفن: ۶۷۲۷۰۸۵

سرکار خانم مریم شکوری - جناب آقای حسین ناصری مقدم و خانواده‌های وابسته، در گذشت بزرگ خاندان شکوری را به شما و خانواده محترم تان تسلیت می‌گوییم.  
همکاران شما در مجله‌ی فردوسی